

نگاهی گذرا به مسلک بابیت و بهائیت

<?xml encoding="UTF-8">

نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند نه هر که آینه سازد سکندری داند
نه هر که طرف کله کج نهادوتند نشست کلاه داری و آیین سروری داند
هزار نکته باریکتر زمو این جا است نه هر که سر بتراشد قلندری داند
حافظ شیرازی

با یک نگاه سطحی در می یابیم که جامعه انسانی پویایی و تحرک و پیشرفت خود را ؛ مر هون نقش های متفاوتی است که یکایک افراد بر عهده دارند و آنرا انجام می دهند ؛ منتهی این فعالیت ها از نظر حوزه نفوذ و تاثیر گذاری به اقسام گوناگونی قابل تقسیم اند و به همین اعتبار ارزش و تقدس این کارها هم یگسان نیست ؛ پیامبران الهی که عمل شریف و گرانقدر هدایت را با ماموریت خداوند ی بر عهده دارند ، سخت ترین و گرانبها ترین کارها را بر دوش داشته اند و زیبا ترین و مقدس ترین نقش انسانی را آنان به انجام رسانده اند .

در این میان احیانا به کسانی بر می خوریم که به ناحق وبدون پشتوانه، دست به جایگاهی دراز نموده اند که مستحق آن نه بوده اند وبا تقلب وجعل، نقش های دیگران را به خود نسبت داده اند ویا اینکه خود مدعی چنین کمال وهنری شده اند . چنین کار های در حوزه عمل مادی بشر قابل تصور ودر ذهن اجتماع امری چندان غریبی نیست ، و لی متاسفانه در تاریخ بشر کسانی مشاهده می شود که در قلمرو زندگی معنوی بشر ونقش فاخر وبی بدیل انبیاء الهی دست به جعل وتزویر زده اند ؛ امری که در بدو نظر برای توده مردم بسیار پیچیده وغیر قابل هضم جلوه می کند منتهی این یگ واقعیت تلخی است که راه برای تردید در آن نیست وبرای اهل اطلاع در تاریخ اسلام چهره کسانی مثل : اسود عنسی ، مسیلمه کذاب ، طلحه ، سجاح ، که مدعی نبوت مانند رسول معظم اسلام بودند ؛ کاملا آشنا است وبعضی از همین مدعیان مورد تکذیب وقدرح پیامبر اکرم هم واقع شده است . در تاریخ تشیع هم به کسانی بر می خوریم که در زمان امامان معصوم علیهم السلام مدعی نیابت وعناوینی دیگری برای خود از سوی امامان شده اند ولی مورد تکذیب ولعن قرار گرفته اند وخود ائمه از آنان برائت جسته اند ؛ کسانی مثل : ابوالخطاب ، ابوهارون مکفوف ، محمد بن بشیر، محمد بن فرات ، و... از این افراد اند .

طرح موضوع بابیت وبهائیت توسط این قلم الزاما به معنای تحرک وجهش ومقبولیت این ایده در سطح جهان نیست ؛ بلکه بااین باور مطرح شده است که در فضای کنونی اطلاع رسانی اجمالی در این زمینه ها جهت پاسداری از هویت اسلامی وماهیت اصیل آن، ودفاع ازحقیقت، ودر راستای بیان واقعیات وحقایق ؛ امری ضروری به نظر می رسد ؛ زیرا فضای باز فرهنگی از یگسو وعوامل تبلیغاتی واجتماعی وفرهنگی از سوی دیگر باعث شده است که نا آگاهانه وبدون تحقیق بعضا تمایل به اندیشه های نو وارد مشاهده می شود . این مقاله می کوشد که در حد معلومات نویسنده وظرفیت یگ مقاله، شما خواننده گان عزیز با جریان نو ظهور بابیت وبهائیت آشنا شوید ودر صورت ضرورت بتوانید به منابع مربوطه مراجعه نموده وسپس آگاهانه در صدد انتخاب بر آید ؛ چه اینکه مسائل فکری واعتقادی فقط با گرایش وانتخاب خود انسان بدست می آید وهرگز نمی توان فکری را با زور تبدیل به باور نمود ؛ بلی شرط یگ انتخاب خوب آن هست که انسان زحمت تحقیق ومطالعه را تحمل نماید .

در این مقاله ابتداء جریان بابیت وبهائیت وافکار آنان با توجه به منابع معتبر ؛ طرح می شود و سپس اشکالاتی مطرح خواهد شد و در پایان مقاله نکاتی چندی یاد آوری می شود .

مسلک بابیگری در قرن سیزدهم قمری (نوزدهم میلادی) توسط فردی بنام سید علی محمد پد ید آمد . وی در اول محرم سال 1235 یا 1236 (1820 میلادی) در شیراز متولد شد و در بیست و هفتم شعبان سال 1266 در تبریز به جرم ارتداد به دار آویخته شد . مشار الیه تحصیل ابتدایی و آموزش اندکی عربی را در شیراز گذراند (1) و پنج سال در بوشهر به تجارت که پیشه پدری او بود اشتغال داشت و بعد از آن در کربلا مدتی از شاگردان سید محمد کاظم رشتی (1203 - 1259 قمری) بود ؛ بعد از فوت سید کاظم رشتی علی محمد باب نخست ادعای ذکریّت و بعد ادعای بابیت (یعنی باب علوم و معارف خدا و راه اتصال به مهدی موعود) و سپس ادعای مهدویت نمود و به تدریج ادعای شاریعت و نبوت کرد و مدعی وحی و دین جدید گردید . (2)

علی محمد باب در کتاب احسن القصص که یکی از آثار او هست می نویسد : یا ایها الملا انا باب امامکم المنتظر: ای مردم من باب امام مهدی می باشم . (3) و در مجلس تبریز به صراحت مدعی شد که من مهدی موعود می باشم : (من همان قائم موعودی هستم که هزار سال است ، منتظر او هستید .) (4) نامبرده در کتاب (بیان) عربی و فارسی که یکی دیگر از آثار او هست نسخ اسلام و انتهای دوران نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را اعلام نمود : (در هر زمان خداوند جل و عز کتاب و حجتی از برای خلق مقدر فرموده و می فرماید و در سنه هزار و دویست و هفتاد از بعثت محمد رسول الله، کتاب را بیان و حجت را ذات حروف سبع (علی محمد) قرار داد .) (5) در بیان فارسی کتاب خود را بر تر از قرآن و خود را اشرف از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) معرفی می نماید . (6) و در (لوح هیکل الدین) خود را ذات خدا و هستی خدا می پندارد که بوی ربوبیت والوهیت از آن استشمام می شود . (7)

پس از آنکه غوغای باب در ایران مطرح شد حوادث زیادی اتفاق افتاد ؛ که مجال برای بررسی نیست و به همین بسنده می شود که فعالیت با بیان موجب نگرانی علما و حکومت وقت ایران گردید و لذا باب را از بوشهر به شیراز آوردند و در این شهر میان او و علما مجلس مناظره برپا گردید که باب از عقاید خود اظهار ندامت کرد و در مسجد میان جمع دعاوی خود را تکذیب و استغفار نمود ؛ اما پس از چندی علی محمد باب دوباره همان ادعا را تکرار و تبلیغ می کرد که در نتیجه دستگیر و زندانی شد و سپس از شیراز به اصفهان و از آنجا وی را به آذربایجان بردند و در قلعه چهریق زندانی کردند . (1263 قمری) در نهایت علی محمد باب به تبریز منتقل شد و در حضور ناصر الدین میرزا در مجلس علما محاکمه و سر انجام به جرم ارتداد از دین و افساد در میان مومنین به دار آویخته شد . (1266 قمری) علی محمد باب تالیفاتی دارد که (قیوم الاسماء) و (بیان) مشهور ترین کتاب های او می باشد . (8)

جریان بابیت پس از مرگ باب :

میرزا حسین علی بهاء و برادر ناتنی اش یحیی صبح ازل دو چهره شناخته شده در مسلک بهائیت است که در زمان حیات باب به او پیوستند ؛ حسین علی بهاء در سال 1232 قمری در دهکده ای از توابع نور مازندران متولد شد و در حوالی سال 1310 قمری در عکا بر اثر بیماری در گذشت و در همانجا به خاک سپرده شد . (9) مشار الیه تحصیلات مقدماتی و خواندن و نوشتن و مقداری عربی را طبق سنت رایج زمان آموخت و مدتی منشی دولت شد، و پس از چندی به حلقه درویشان پیوست تا اینکه به علی محمد باب ملحق گردید .

قابل توجه است که مبلغین بهای حسین علی بها را فردی مکتب نه رفته جلوه می دهند ؛ واو خودش نیز، چنین ادعای دارد : (انا ما دخلنا المدارس وما طالعنا المباحث : ما هرگز به مدرسه نه رفته ایم و مطالب علمی را مطالعه نه نموده ایم . (10) ولی قرائن وشواهد کافی در دست است که او فردی تحصیل کرده بوده است؛ولذا نویسندگان بهایی هم این نکته را تایید نموده اند . (11)

انگیزه بهائیان از این کار تقلید از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) است که حسین علی بها ء مثل حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) نه درسی خوانده است و نه استادی دیده است ؟. حاصل آنکه علی محمد باب در زندگی خود یحیی صبح ازل را به عنوان جانشین معرفی کرد و مستند کافی در این زمینه در دسترس است ؛ وحتی مستشرقینی که در این موضوع تحقیق نموده اند به این نکته تصریح کرده اند وخواننده گان گرامی می توانند در این خصوص به کتاب معرفی شده در پاورقی مراجعه نمایند . (12) میرزا حسین علی بها ء در ابتدا تسلیم برادر بود اما پس از مدتی رقابت با او را آغاز کرد و مدعی شد که علی محمد باب مبشر ظهور وی بوده است و او دارای کتاب و شریعت مستقل می باشد و (من یظهره الله) که درکلمات باب آمده است او می باشد .

سر انجام با فشار علما و مسلمانان ، حکومت وقت مجبور شد که آن دو را با جمعی از یاران شان به بغداد تبعید کند و در عراق هم پس از کشمکش زیاد میان دو برادر و درگیری میان طرفداران آنان ؛ کار به دادگاه کشید و دادگاه حکومت عثمانی، حکم به تبعید دو برادر را در دو نقطه دور دست و جدا از هم صادر کرد ؛ از این رو یحیی صبح ازل با خاندان و پیروانش به قبرس و حسین علی بها ء و طرفدارانش به عکا در سرزمین فلسطین اسکان داده شدند ؛ با این حال هیچ وقت اختلاف میان دو برادر تمام نه شد و تکفیر و تبلیغ علیه یگدیگر را رها نه کردند ؛ و در پایان کار، به نفع حسین علی بها ء تمام شد و او اکثریت را از آن خود کرد .

پس از مرگ حسین علی بها ء عباس افندی که عبدالبهاء لقب گرفته بود ، رهبری را به عهده گرفت و رابطه نزدیک با کشورهای غربی برقرار کرد . عباس افندی پسر بزرگ حسین علی بها ء در سال 1844 میلادی متولد و در سال 1921 میلادی در گذشت . نامبرده هم برسر وصایت پدر با برادر دیگر خود میرزا محمد علی دچار کشمکش و اختلاف و تکفیر شد که این مقاله گنجایش ورود به همه این مطالب را ندارد ؛ و به صورت کلیات این جریان مطرح می شود .:

حسین علی بها ء به عباس افندی لقب (غصن اعظم) و به میرزا محمد علی (غصن اکبر) را اعطا کرده بود و در وصیت نامه خود نوشت که : قد اصطفینا الاکبر بعد الاعظم امرا من لدن علیم خبیر : یعنی بعد از من مقام وصایت به عباس افندی و سپس به میرزا محمد علی می رسد و این کار فرمان الهی است . (13) در هر صورت عباس افندی در این کشمکش پیروز شد و بر خلاف وصیت پدرش – که حکم خداوند است از نظر بهائیان – برای بعد از خود وصایت را به (شوقی-افندی) نوه دختری میرزا حسین علی بها ء سپرد و اضافه کرد که بعد از شوقی بیست و چهار نفر از فرزندان او به مقام وصایت و ریاست بیت العدل می رسند ولی از شوقی هرگز فرزندی باقی نه ماند (14). شوقی افندی تا سال 1957 میلادی این جریان را اداره کرد و بعد از مرگ او گروه نه نفری بیت العدل که مرکز آن در حیفاي اسرائیل قرار دارد بهائیت را اداره می کند .

مراکز مهم بهائیت یکی (حظیره القدس) در عشق آباد ترکمنستان است و دیگری (مشرق الاذکار) در شیکاگو ای آمریکا .

حاصل آن که از نظر بابیت و بهائیت با ظهور باب و حسین علی بها ء شریعت اسلام الغا گردید و دوران نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) سپری شده است و پس از حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) نخست باب و سپس

حسین علی بهاء به عنوان ظهور الهی در عالم آمدند و لا اقل تا هزار سال دیگر ظهور الهی در عالم نه خواهد بود . کتاب (ایقان) که به زبان فارسی است در بغداد بر حسین علی بهاء وحی شده است و کتاب (اقدس) که به زبان عربی است در عکا بر او نازل شده است .

میزان بلوغ در مذهب بهایی پانزده سالگی است بدون فرق میان دختر و پسر؛ و قبله آنها شهر عکا است که قبر میرزا حسین علی در آن واقع است . حج زیارت خانه ای است در شیراز که علی محمد باب در آن متولد شده است یا خانه ای که میرزا حسین علی بهاء در عراق ساکن آن بود . تمام اشیا پاک است حتی امثال بول و سگ و خوک و غائط و ... (15)

نگاهی انتقادی به بابیت و بهائیت :

از مجموع مطالب گذشته روشن شد که اساس بابیه و بهائیه و ازلیه بر صحت ادعای علی محمد باب استوار است و تمام فرق بعد از او حقانیت و مشروعیت خود را از او می گیرند و او را مبشر و زمینه ساز بقیه می دانند . به همین جهت به صورت بسیار گذرا تمام تکیه ما روی علی محمد باب خواهد بود اگر چه از دیگران هم یا د خواهیم کرد .

1- تناقض در پیام :

گذشت که علی محمد باب در ابتدا خود را باب حضرت مهدی علیه السلام معرفی می کرد و اینکه مرتبط با او هست و سپس خود را همان مهدی خواند و در اخیر مدعی وحی و شریعت جدید گردید . تناقض بسیار روشن و آشکار در این مطالب نهفته است که بهترین دلیل بر عدم صداقت گوینده آن هست ؛ کسی که باب مهدی موعود باشد هرگز نمی تواند خود مهدی باشد . مبلغین بهائیت کوشش کرده اند که توجیهاتی برای تناقضات باب درست کنند ولی بر مشکل او افزوده اند . (16)

2- روایات مهدویت بر باب صدق نمی کند :

روایاتی مهدویت که بنیان بابیت بر آن استوار است از چند جهت مدعای باب را تکذیب می کند که ما با استفاده از مفاد روایات منقول در کتب شیعه و سنی این مطلب را به اثبات می رسانیم : مهدی مورد نظر اسلام کسی است که مهر و محبت و عدالت را در جهان می گستراند و بر شرق و غرب حکومت خواهد کرد ؛ علی محمد باب بعد از دعوایش که یگسال و سه ماه و یازده روز گذشت دستگیر شد، و در دوشنبه 27 / شعبان سال 1265 هجری یا 28 / شعبان همان سال اعدام گردید . حضرت مهدی علیه السلام طبق روایات وارده مادرش کنیز خواهد بود چنانچه ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ، جلد 7 ، صفحه : 59 تصریح به کثرت روایات وارده به این مضمون نموده است و در کتب شیعه هم روایات زیادی نقل شده است . (17) علی محمد باب مادرش شناخته شده و هرگز کنیز نه بوده است . از نظر روایات شیعه حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری و در سال 255 قمری متولد شده است و این نکته از مسلمات این طایفه است که روایات زیادی پشتوانه آن هست و اهل تحقیق می توانند به منابع معتبر مراجعه نمایند . اما علی محمد باب حامل احدی از این خصوصیات نیست . واقعیت آن هست که بهائیت در رابطه با روایات مهدویت - که مورد قبول و استناد شان هست - زمین گیر شده اند زیرا اگر این روایات را نفی کنند اساس بابیت لطمه می خورد در حالیکه آنان باب را همان حضرت مهدی می دانند و پیامبر اسلام را مبشر آمدن علی محمد باب ؛ و اگر این روایات را بپذیرند علی محمد باب هرگز نمی تواند

مصدق این روایات قرار گیرد چنانچه اشاره شد . راه سوم آن هست که با تاویل بدون پشتوانه وتفسیر سلیقه ای خلاف مفاد معنای عرفی روایات ؛ علی محمد باب را مصداق این روایات قرار بدهیم ، که این کار درمنطق اهل خرد اعتراف به شکست و به مثابه خود کشی است . چهارمین راه آن هست که احتمال تصرف در روایات مهدویت را توسط علمای اسلامی مطرح کنند و از این راه تضاد میان روایات واعتقادات بهائیت را دور کنند ؛ ولی لازمه این کار سقوط اعتبار همه روایات مهدویت هست زیرا همه این روایات از طریق همین علمای اسلامی به دست بهائیت و دیگران رسیده اند و طبق این فرض عدالت و وثاقت وامانت همه محدثین اسلامی مورد شک واقع می شود و در نتیجه دوباره مدعای علی محمد باب بدون پشتوانه خواهد شد ، در حالیکه او خود این روایات را مورد استناد و تایید بابیت قرار داده است . علاوه بر این جریان بهائیت چیزی تازه تاسیس است و برای علمای قرون اولیه و پیش از بهائیت داعی بر جعل وتحریف نه بوده است ؛ اگر مبلغین بهائیت منصفانه در همین نکته دقت کنند که علمای اسلامی اعم از شیعه و سنی در زمان های قبل از ادعای علی محمد باب ، چه تصویری از مهدویت داشتند و از روایات رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) در باب حضرت مهدی علیه السلام چه برداشتی داشتند - با توجه به اینکه خالی الذهن بودند و مسئله بنام بابیت در میان نه بوده است - شک نمی کنند که روایات مهدویت بیگانه از علی محمد باب است . (18)

3- ادعای نبوت ونسخ شریعت اسلام با ضرورت اسلام نمی سازد :

با توجه به اینکه باب اسلام را قبول دارد و آنرا دین آسمانی می داند ، قهرا اگر مطالب او با ضروریات اسلام نسازد این سوال برای هر انسانی اعم از کافر ومسلمان طرح می شود که در حقانیت اسلام شک دارید یا در صحت ادعای نبوت خود؟ اگر حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) فرستاده خدا است و دین او را قبول دارید یکی از ضروریات دین او ختم نبوت است ؛ پس چگونه می توان ادعای نبوت را در کنار آن جمع کرد ؟ و یا چگونه می توان شریعت ناسخ را بعد از پذیرش، شریعت جاودانه قبول نمود ؟

اینکه ختم نبوت از ضروریات دین اسلام است براهین زیادی دارد که خود مقاله مستقل را می طلبد ولی به عنوان نمونه روایت منزلت که شیعه و سنی از رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) نقل نموده اند نقل می شود . از نظر سند ، بهترین شاهد بر صدور این روایت از زبان رسول خاتم (صلی الله علیه وآله) آنست که شیعیان در طول تاریخ به این روایت در مسئله ولایت حضرت علی (علیه السلام) استدلال نموده اند و اگر سند دچار کوچکترین ضعفی بود یقیناً بزرگان علماء اهل سنت تا هنوز در سند حدیث اشکال می کردند . در این حدیث می خوانیم : یا علی انت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لانی بعدی : ای علی منزلت تونسبت به من همان منزلتی حضرت هارون نسبت به موسی است ولی بعد از من نبی دیگر نه خواهد بود . (19) این حدیث از هر جهت روشن وخدشه ندارد و در طول تاریخ اسلام ذهنیت مسلمانان هم بر ختم نبوت استوار بوده است ولذا مدعیان نبوت فوراً وبدون تحقیق تکذیب می شد . قرآن کریم هم در سوره احزاب /40 ختم نبوت را تصدیق نموده است . روایات دراین زمینه فراوان است و در کتاب (معالم النبوه) قریب 135 روایت در این خصوص نقل نموده است که خواننده گان میتوانند مراجعه نمایند . (20).

در خصوص جاودانگی شریعت اسلام هم جای برای مناقشه وکلام برای اهل تحقیق نیست ونبوت جاوید شریعت دائمی را می خواهد ، علاوه بر آن ادله نقلی فراوان از منبع وحی در این زمینه در دسترس است ؛ در روایتی می خوانیم : حلال محمد حلال ابدی الی یوم القیامه وحرامه حرام ابدی الی یوم القیامه لایکون غیره ولا یجیء غیره :

حلال محمد (صلی الله علیه وآله) برای همیشه تاروز قیامت حلال خواهد بود و حرام او هم برای همیشه حرام می باشد ؛ غیر آن نمی باشد و غیر آن هم نمی آید . (21) .

با توجه به آنچه گذشت برهان سوم روشن شد ؛ و بطلان ادعای علی محمد باب بطلان ادعای همه کسانی بعد از او را به دنبال دارد اعم از حسین علی بهاء و عباس افندی و شوقی افندی و ... علاوه بر آن چون حسین علی بهاء مدعی شریعت و نبوت بوده است دلیل سوم علیه او هم خواهد بود ، خصوصا اگر در وصایت او از علی محمد باب شک کنیم - که اشاره شد - مشکل او بیشتر خواهد شد و قهرا تمام کسانی بعد از او هم بی پشتوانه می ماند . چهارمین مناقشه در ادعای حسین علی بهاء این است که ایشان به صراحت معاد و قیامت را منکر شده است که با ضرورت همه ادیان الهی اعم از اسلام و مسیحیت و یهود نمی سازد و قرآن کریم در مواقع مختلف مثل : انعام / 29 و 30 ، یس / 51 و 52 ، احقاف / 33 و ... قیامت و معاد را با صراحت بی بدیل مطرح نموده است .

مشکل دیگر بهائیت رهبری عباس افندی است که اشاره شد زیرا چنین اختلافی میان دو برادر بر سر قدرت پس از مرگ حسین علی بهاء ، خود بهترین شاهد است که این جریان ریشه و صبغه الهی ندارد زیرا که برگزیدگان الهی هیچ وقت حکم خداوند را نادیده نمی گیرند و اگر حسین علی بهاء با امر خداوند هردو پسر را با ترتیب برای رهبری انتخاب کرده بود ، - و وصیت بهاء هم روشن بود - پس چطور هر دو برادر به جان هم افتادند ؟ و حکم تکفیر دیگری را صادر کردند ؟ و چرا عباس افندی وصیت پدر را نادیده گرفت و برای بعد از خود شوقی افندی را - بر خلاف وصیت پدرش - انتخاب نمود ؟ و این نکته را هم باید اضافه کرد که عباس افندی پیش بینی کرده بود که فرزندان شوقی افندی که بیست و چهار نفر خواهند بود به مقام وصایت و ریاست بیت العدل می رسند در حالیکه از شوقی فرزندی نه ماند و او عقیم بود ؟

تذکر :

1- یکی از نکاتی که در زندگی علی محمد باب مشاهده می شود و خود بهائیت هم به آن اعتراف دارند توبه نامه ای است که برای پادشاه وقت ایران نوشته است ؛ متن نامه مفصل است که خوانندگان می توانند به ماخذ اشاره شده در پاورقی مراجعه نمایند . (22) این توبه نامه از آن جهت حائز اهمیت هست که در تاریخ پیامبران الهی هرگز مشاهده نه شده است که پیامبر الهی از مرام خود دست بکشد و توبه نماید و باعث وهن و سستی دیگران گردد .

2- در تاریخ بهائیت به مواردی بر می خوریم که رهبران آن مورد تشویق و حمایت کشورهای خارجی و استعمارگر واقع شده اند و این برای تیز بینان سوالاتی زیادی را خلق می کند ، مثلا در وقتیکه حسین علی بهاء زندانی بوده است سفیر روسیه برای آزادی او تلاش فراوان نموده است و شوقی افندی در کتاب (قرن بدیع) این مطلب را آورده است . (23) و در جای دیگری از کتاب خود از قول حسین علی بهاء این نکته را نقل نموده است . (24) . عباس افندی یکی دیگر از رهبران بهائیت بعد از جنگ جهانی اول طی مراسمی از دولت انگلستان نشان (نایت هود) راجهت خدمات که کرده بود دریافت نمود که شوقی افندی این را هم تایید نموده است . (25)

3- این قلم کوشیده است که در مواردی اختلافی از منابع هردو طرف استفاده نماید و تلاش شده است که بحث منطقی و دور از جدال و جانبداری ، و به منظور رسیدن به واقعیت ارائه گردد و قضاوت نهایی را خود خوانندگان خواهند نمود ؛ به نظر این جانب بدون آشنایی با اسلام و خصوصاً روایات مربوط به مهدویت هرگز نمی توان در رابطه با بهائیت قضاوت کرد و این مقاله می تواند راهگشا باشد برای کسانی که بخواهند در این زمینه تحقیق

بشیرتر داشته باشند . در فهرست منابع کتابهای خوبی از بهائیت و علمای اسلامی درج شده است ، خصوصا دو کتاب مرحوم آیتی قابل ذکر است ؛ نامبرده در اول بهای بود و در دفاع از بهائیت کتاب (الکواکب الدریه) را نوشت و سپس از بهائیت برگشت به اسلام و کتاب (کشف الحیل) را در رد بهائیت نوشت .. در زبان عربی کتاب (نصائح الهدی والدين الي من كان مسلما و صار بابيا) تالیف مرحوم علامه بلاغی بهترین کتاب است و به فارسی هم ترجمه شده است . مبلغین بهای معمولا یا آگاهانه - و بعضا نا آگاهانه - ادعا می کنند که در بهائیت هرگز اختلاف مشاهده نمی شود و در جهان اسلام آنقدر اختلاف است که انسان در انتخاب یکی، دچار حیرت می شود ؛ از آنچه گذشت روشن شد که در میان رهبران بهائیت همیشه اختلاف و تکفیر بوده است و در اثر همین اختلاف است که از پیروان یحیی صبح ازل به (ازلیه) تعبیر می شود و طرفداران میرزا حسین علی بهاء بهائیه نامیده می شود و کسانی که این دو برادر را قبول ندارند خود را بابی می نامند . و خصوصا که دو قرن از عمر آن نگذشته است و در مقایسه با اسلام از نظر زمانی قابل مقایسه نیست و جمعیت مسلمانان هم قابل قیاس با آنان نمی باشد - گذشت زمان و جمعیت زیاد خود اختلاف فکری و سلیقه ای را به دنبال دارد - علاوه بر آن نه باید میان اختلاف در جوامع اسلامی و اختلاف در خود اسلام خلط شود . خلاصه آنکه این بحث یگ بحث کلامی نیست و مجال طرح آن هم در این مقاله نمی باشد .

فهرست منابعی که برای نگارش این مقاله به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم مورد بهره برداری واقع شده است :

- 1- قرآن کریم
- 2- ماجرای باب و بهاء ، مصطفی حسینی طباطبایی ، انتشارات روزنه، صفحه : 29 به بعد . (منابع بهای که مطلب فوق را نقل کرده اند در همین کتاب آمده است .)
- 3- فرق و مذاهب کلامی ، علی ربانی گلپایگانی ، چاپ اول ، صفحه : 338 .
- 4- احسن القصص ، علی محمد باب ، نسخه خطی ، صفحه : 116 ، طبق نقل : ماجرای باب و بهاء : صفحه : 29 به بعد .
- 5- مطالع الانوار ، تلخیص تاریخ نبیل زرندي ، صفحه : 320 و الکواکب الدریه ، آیتی ، جلد 1 ، صفحه : 224 ، طبق نقل : ماجرای باب و بهاء ، صفحه : 29 به بعد .
- 6- بیان عربی ، علی محمد باب ، صفحه : 3 ، طبق نقل همان کتاب .
- 7- بیان فارسی ، علی محمد باب ، صفحه : 55 ، طبق نقل همان کتاب .
- 8- لوح هیکل الدین ، علی محمد باب ، چاپ شده همراه بیان عربی ، صفحه : 5 ، طبق نقل همان کتاب
- 9- فرق و مذاهب کلامی ، علی ربانی گلپایگانی ، صفحه : 339 .
- 10- همان ، صفحه : 340 و : ماجرای باب و بهاء ، صفحه : 127 به بعد .
- 11- کتاب اقدس ، حسین علی بهاء ، چاپ بمبی ، صفحه : 29 ، طبق نقل : ماجرای باب و بهاء ، صفحه : 127 به بعد .
- 12- حضرت بهاء الله ، محمد علی فیض ، صفحه : 18 . (نویسنده بهایی است) طبق نقل همان کتاب .
- 13- راهنمای دین ، شیخ احمد شاهرودی ، چاپخانه حیدری ، صفحه : 161 به بعد .

- 14- ادعیه محبوب ، صفحه : 410 ، چاپ مصر ، طبق نقل : ماجرای باب وبهاء ، صفحه : 227 .
- 15- ماجرای باب وبهاء ، صفحه : 228 ، (منابع بهائیت هم این مطالب را نقل کرده اند که می توان به همان کتاب مراجعه نمود) .
- 16- فرق ومذاهب کلامی ، صفحه : 342 به بعد .
- 17- نصاب الهدی والدین الی من کان مسلماً وصار بابیا ، شیخ محمد جواد بلاغی ، ناشر : منشورات دلیل ما ، صفحه : 57 به بعد (با تصرف وتلخیص واضافات)
- 18- همان ، صفحه : 123 به بعد . (روایات شیعه به این مضمون در همان کتاب از منابع حدیثی جمع آوری شده است .)
- 19- همان ، صفحه : 131 به بعد . (با تصرف وتلخیص و اضافاتی زیادی که در دلیل گنجانده شده است و در همین کتاب روایات قابل توجهی در همین زمینه با ذکر منابع جمع آوری شده است .)
- 20- صحیح بخاری ، جلد 6 ، حدیث : 408 ، صحیح مسلم ، جلد 7 ، صفحه : 120 ، ارشاد مفید ، جلد 1 ، صفحه : 156 . طبق نقل همان ، صفحه : 134 به بعد . (در همین مآخذ روایات بسیار زیادی از منابع مختلف جمع آوری شده است که می توان مراجعه نمود .)
- 21- طبق نقل : بحثی مبسوط در آموزش عقاید ، محسن غرویان وسایر ، چاپ دوم ، انتشارات دار العلم قم ، جلد 2 ، صفحه : 200 .
- 22- طبق نقل : نصاب الهدی والدین الی من کان مسلماً وصار بابیا ، صفحه : 137 به بعد .
- 23- کشف الغطاء ، میرزا ابوالفضل گلپایگانی و مهدی گلپایگانی ، صفحه : 204 و 205 .
- 24- قرن بدیع ، شوقی افندی ، ترجمه نصر الله مودت ، قسمت دوم ، صفحه : 43 و 44 . (طبق نقل ماجرای باب وبهاء)
- 25- همان ، صفحه : 76 .
- 26- همان ، جلد 3 ، صفحه : 399 ، طبق نقل : انشعاب در بهائیت پس از مرگ شوقی ربانی ، اسماعیل رائین ، ناشر : موسسه تحقیقی رائین ، صفحه : 116 به بعد .